مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره ۱۲، اسفند ۱۳۹۰، صفحات ۱۲۲- ۱۱۵

فقر کودک و تمایز آن از فقر خانوار

نسرین پرستش[۱]

فقر کودک موضوعی است که اخیراً در محافل علمی و سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است. فقر کودک اشاره به مفهومی دارد که براساس آن کودکی فقیر است که به حداقل استانداردهای لازم برای تغذیه مناسب، آب آشامیدنی سالم، مراقبت‌های بهداشتی، حق تحصیل، سرپناه مناسب، توسعه ذهن و عواطف و معنویات دسترسی نداشته باشد. در این مقاله در بررسی فقر کودک و تمایز آن با فقر خانوار مشخص گردید نیازهای کودکان فراتر از نیازهای اساسی است و حتی با فرض یکسان بودن نیازها کودکان قادر به رفع خواسته‌های خود نیستند. نابرابری‌های توزیعی در خانوارها باعث شده است فقر کودک با فقر خانوار متفاوت باشد، به این معنی که درآمد ممکن است به گونه‌ای بین اعضا توزیع گردد که کودکان از محرومیت بیشتری رنج ببرند. در نتیجه محرومیت کودکان با دیگر اعضای خانوار یکسان نیست.

واژه‌های کلیدی: فقر، فقر کودک، کنوانسیون حقوق کودک، محرومیت.

۱. مقدمه

براساس گزارش صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)[۲] یکی از مهم‌ترین موانع توسعه توانایی‌های کودک فقر است. فقر در نگاه کلی پدیده‌ای است که در تاریخ بشر قدمت دیرینه دارد و حاصل نابرابری های اجتماعی است. موضوع فقر کودک پس از برگزاری کنوانسیون حقوق کودکان[۳] در سال ۱۹۸۹ وارد ادبیات اقتصادی دنیا شد. کنوانسیون حقوق کودک ۵۴ ماده در مورد حقوق کودکان را به رسمیت شناخت که عبارتند از عدم تبعیض، رعایت منافع کودکان، حق زیست و رشد، توجه به دیدگاه‌های کودک، حق برخورداری از حمایت، حق تأمین، حق بهداشت، حق مشارکت و آزادی‌های مدنی، حق آموزش و....

با توجه به این اصول موارد نقض حقوق کودکان در دنیا همواره به چشم می‌خورد. در این ارتباط می‌توان از کودکانی که مورد خشونت والدین خود قرار می‌گیرند، کودکانی که مورد تبعیض جنسیتی در خانواده و یا جامعه قرار می‌گیرند، کودکانی که به دلیل تعصبات قومی و قبیله‌ای از رفتن به مدرسه باز

۱. کارشناس ارشد معاونت اقتصادی. pnasrin2004@yahoo.com

2. United Nations Children's Found (Unicef)
3. Convention on the Right of the Child

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

می‌مانند و کودکانی که به دلیل فقر فرهنگی یا اقتصادی در خانوارها تن به ازدواج زودهنگام می‌سپارند، کودکانی که دچار کمبود عاطفی هستند و از خانه فرار می‌کنند، کودکانی که با معلولیت‌های مادرزادی به دنیا می‌آیند، کودکانی که از سوء تغذیه رنج می‌برند، کودکانی که قربانی بلایای طبیعی (سیل، زلزله و جنگ) هستند، کودکان کار، کودکان خیابانی، کودکان طلاق، کودکان نامشروع و.... که در آینده تبدیل به انسان‌هایی می‌شوند که با تمام وجود محرومیت را حس کرده‌اند و هم از لحاظ فیزیکی و هم روانی صدمه دیده هستند و در چرخه فقر دور باطل می‌زنند.

سازمان این مقاله به این شرح است: پس از این مقدمه در بخش دوم تعاریفی از فقر و فقر کودک ارائه می‌گردد، سپس در بخش سوم عوامل مؤثر بر فقر کودک و تفاوت آن با فقر خانوار مطرح خواهد شد و در نهایت اشاره‌ای به سیاست‌های فقر زدایی با عنایت به فقر کودک خواهد گردید.

۲. تعارف فقر و فقر کودک

برای تعریف فقر کودک ابتدا لازم است تعاریفی از فقر داشته باشیم، زیرا فقر کودک و فقر خانوار دو مفهوم مرتبط به هم هستند. فقر در یک تعریف کلی فقدان وجود امکانات رشد و تکامل مادی و معنوی است و اگر جامعه‌ای چنین باشد آن جامعه فقیر است. فقر در بعد اقتصادی، عدم دسترسی به سطح حداقلی از رفاه به ترتیبی که پایین‌تر از آن سطح فرد فقیر و بالاتر از آن غیرفقیر تلقی می‌شود.

از دیدگاه سن[1](۱۹۹۹) تمام تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره دارد. به عقیده وی محرومیت مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند.

در دیدگاه سنتی، فقیر به کسی اطلاق می‌شود که از تأمین تمام یا برخی از ضروریات اساسی زندگی مانند غذا، لباس و مسکن محروم باشد. در این دیدگاه دلایل پیدایش و تداوم فقر، پایین‌بودن میزان درآمد سرانه، محدودیت فرصت‌های شغلی، کم‌کاری، عدم توسعه نیروی انسانی، رشد سریع جمعیت، توزیع ناعادلانه درآمد، کند بودن گردش نقل و انتقال درآمد، محدود بودن پوشش تأمین اجتماعی می‌باشد. با توجه به تعاریف کلی از فقر، فقر کودک فراتر از یک رویکرد ساده می‌باشد. به این معنا که فقر کودک تنها با قدرت اقتصادی خرید نیازهای اساسی تعریف نمی‌شود و به طور معمول عوامل مختلفی در تعریف و ارزیابی فقر کودک استفاده می‌گردد.

1. Sen

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

اگر فقر را برحسب خانوار تعریف کنیم، کودکی فقیر است که مربوط به خانوار فقیر باشد، اما مفهوم فقر کودک همان طور که بیان شد جامع‌تر از فقرخانوار است و صرفاً برحسب درآمد خانوار نمی‌توان در خصوص فقیر بودن و غیرفقیر بودن کودک نتیجه‌گیری کرد.

یونیسف (۲۰۰۵) در تعریف فقر کودک به حقوق آنها تأکید می‌کند: "کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند بچه‌هایی هستند که ازمنابع مادی، معنوی وعاطفی لازم برای زنده‌ماندن، توسعه یافتن و پیشرفت کردن محرومند". آنها از حقوق خود آگاه نیستند و به عبارت بهتر تعریف یونیسف از فقر کودک برمبنای حقوق انسانی است فقر کودک محرومیت از دامنه‌ای از خدمات و حمایت‌های مادی و اجتماعی است که برای بهزیستی کودک ضروری است. این تعاریف مستقیماً به نیازهای خاص کودکان تأکید می‌ورزد. این نیازها به طور خلاصه شامل معاش کافی، فرصت برای توسعه انسانی، ساختار خانواده و جامعه برای حمایت و پرورش کودک می‌باشد.

۳. عوامل مؤثر در فقر کودک

شناسایی عوامل مؤثر بر فقر کودک از اهمیت بالایی به منظور کمک به کودکان برخوردار است. در ادامه بحث به برخی از این عوامل اشاره می‌گردد:

- وضعیت درآمدی خانوار به طوری که درآمد خانوار زیر خط فقر باشد.
- توزیع نامتعادل مخارج بین اعضای خانوار به طوری که این امر به ضرر کودکان باشد.
- کند بودن رشد اقتصادی به همراه تورم و بیکاری که باعث افزایش فقر وکاهش رفاه خانوار می‌گردد. لازم به ذکر است نه تنها رشد اقتصادی پایین بلکه در صورت وقوع رشد اقتصادی بالا نیز نابرابری در توزیع درآمد می‌تواند منجر به افزایش فقر و کاهش رفاه شود.

- فرسایش خانوار

معضلاتی مانند اعتیاد، طلاق در خانوارها کودکان را با مشکلات عاطفی مواجه می‌سازد و در نتیجه افسردگی، کاهش امید به زندگی، کاهش عزت نفس و بروز جرم و جنایت و بزهکاری در کودکان را موجب می‌شود.

- عوامل جمعیتی

رشد جمعیت و عدم سیاستگذاری صحیح به منظور تأمین امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی موجب افزایش مشکلاتی خواهد شد که نتایج آن افزایش فقر و محرومیت خانوارها و در نتیجه افزایش فقر کودکان است و به دنبال آن معضلات اجتماعی، ایجاد احساس ناامنی، کاهش رفاه زندگی را سبب خواهد شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- خانوارهای با سرپرستی زن

فقر کودکان به شدت به ویژگی‌های سرپرست خانوار وابسته است. ارتباط بین درآمد خانوار و هزینه زندگی و ایجاد شرایط امن اقتصادی برای خانوارها حیاتی‌ترین گام برای رفاه کودکان است. کودکان در خانوارهای زن سرپرست در مقایسه با کودکان در خانوارهای مرد سرپرست در مقابل فقر آسیب‌پذیرترند.

دیگر عواملی که منجر به فقر کودک می‌شود عبارتند از:

- کم سوادی و بی‌سوادی سرپرست خانوار
- زندگی در مناطق روستایی
- زندگی در حاشیه شهرها
- نداشتن مسکن مناسب و زندگی در خانه اجاره‌ای
- زیاد بودن تعداد افراد خانوار
- ایمن نبودن اعضای خانوار
- کار در بخش کشاورزی
- کار در مشاغل ساده و بدون تخصص و مهارت
- تک سرپرست بودن
- جوان بودن سرپرست خانوار
- شاغل بودن به صورت پاره‌وقت و فصلی
- عدم دسترسی خانوار به بیمه‌های اجتماعی و درمانی
- مهاجر بودن اعضای خانوار
- جنگ‌های داخلی و قحطی
- ریسک‌های محیطی
- کمبود منابع
- موافقتنامه‌های تجاری غیرمنصفانه

٤. تمایز فرق کودک با فقز خانوار

معمولاً فقر برحسب خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به درآمد تمامی افراد خانوار مشخص می‌گردد که آیا خانوار فقیر است یا غیرفقیر (برور، ۲۰۰۲). البته مسئله مهم آن است که درآمد خانوار چگونه بین اعضای خانواده تقسیم می‌شود؟ آیا این امکان وجود دارد که در یک خانوار هم فرد فقیر و هم فرد غیرفقیر وجود داشته باشد؟ اگر چنانچه فقر برحسب خانوار تعریف شود مشابه آنچه تاکنون تعریف

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

شده در این صورت کودک متعلق به یک خانوار فقیر، فقیر است و کودک خانوار غیرفقیر، غیرفقیر. این جمله چندان صحیح نمی‌باشد، لذا فقر خانوار دقیقاً معرف فقر کودک نیست. کودکان در مقایسه با دیگر اعضای خانوار شرایط جسمی و روحی متفاوتی دارند. آنها به دیگران وابسته‌اند و به تنهایی قادر به حمایت از خود نیستند.

برای مشخص کردن فقر کودکان نمی‌توان تنها از معیار درآمد استفاده نمود. هر چند درآمد مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی فقر کودک است و چنانچه خانواده‌ای از نظر درآمد زیر خط فقر باشد کودک آن خانواده نیز فقیر تلقی می‌شود، اما این امر تنها عاملی نیست که بتواند همه جا بر استانداردهای زندگی و توانایی‌های افراد برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تأثیر گذار باشد. بنابراین، صرفنظر از درآمد کل خانوار باید ملاک جامع‌تری از فقر کودک ارائه شود و عوامل و عناصری مانند شرایط زندگی، مسکن، سلامتی اعضای خانوار، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، وجود پدر و مادر یا فقدان آنها، اقلام مورد نیاز کودک، داشتن دوست و خویشاوند توجه کرد (گردون، ۲۰۰۳).

کوراک (۲۰۰۵) معتقدند پول نقش مهمی در موفقیت اقتصادی بلندمدت کودکان دارد، اما به طور مشخص تنها عامل نیست. به عنوان مثال، نرخ غذا، آب، مسکن، امکانات بهداشتی و فعالیت‌های اجتماعی در کشورهای مختلف متفاوت است. حتی در دورن یک کشور نیز بین نواحی شهری و روستایی نیز تفاوت زیاد است. این عوامل نه به طور کامل وابسته به درآمد هستند و نه به وسیله درآمد قابل پیش‌بینی، بنابراین نمی‌توان با اتکا به منابعی که در اختیار خانوار است. پیش‌بینی نمود کودکان آنها در شرایط خوبی قرار گرفته اند، لذا لازم است فقر کودک به وسیله دامنه‌ای از محرومیت‌ها تعریف شود. شاخص‌هایی که برای سنجش محرومیت بکار می‌رود عبارتند از:

- محرومیت شدید غذایی
- محرومیت شدید از آب سالم
- محرومیت شدید از امکانات بهداشت محیطی
- محرومیت شدید از سرپناه
- محرومیت شدید آموزشی
- محرومیت شدید اطلاعاتی
- محرومیت شدید از خدمات بهداشتی

در اینجا هفت شاخص برای سنجش محرومیت بیان شده است. کودکان در صورتی که در شرایط فقر مطلق دسته‌بندی شوند تنها در دو بخش از این هفت بخش محرومیت شدید را تجربه می‌کنند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

محرومیت شدید در شرایطی اتفاق می‌افتد که بهزیستی کودکان تهدید شود. به عنوان مثال، منظور از محرومیت شدید در بخش غذا، بدغذایی است نه تنها گرسنگی، محرومیت در بخش بهداشت و درمان نیز یعنی نبود هرگونه ایمن سازی، محرومیت در بخش دسترسی به مراکز بهداشتی و مدرسه یعنی نبود وسائل نقلیه روزانه و نه فقط مسافت های طولانی و صعب العبور.

طبق تحقیقی که یونیسف در سال ۲۰۰۳ انجام داد بیش از یک میلیارد کودک فقیر وجود دارد کودکان فقیر عمدتاً در منطقه خط استوا متمرکزند. کودکان در این منطقه چندین بار فقیرتر از کودکان مناطق دیگر هستند. این کودکان معمولاً از یک یا چند نیاز اساسی محروم هستند. کودکان فقیر در کشورهای در حال توسعه عمدتاً در مناطق روستایی زیر صحرای آفریقا و آسیای جنوبی متمرکز شده‌اند.

با توجه به استانداردها بیشتر از یک سوم کودکان در کشورهایی که درآمد آنها پایین و متوسط است در فقر مطلق بسر می‌برند. بیشتر از نصف کل جمعیت کودکان در این کشورها محرومیت شدید دارند. بیشتر کودکان محرومیت شدید را در بخش مسکن، آب، اطلاعات و سرویس های بهداشتی تجربه می کنند.

بنابراین، ملاحظه می گردد این کودکان قربانیان بی گناه فقر و رنج هستند که فاقد قدرت برای رهایی از این گرفتاری هستند. وضعیت بد کودکان فقیر نه تنها زندگی کودکی آنها را تیره و تاریک می کند، بلکه آثار مخرب فقر در کودکی موجب تعمیق فقر در بزرگسالی آنها می‌شود و آنها را به والدین فقیر تبدیل می کنند.

۵. سیاستگذاری در جهت فقرزدایی

به طور کلی سیاست‌های فقرزدایی شامل مجموعه‌های منسجم و هدفمند از تدابیر، خدمات و فعالیت‌هایی است که با هدف حمایت و مراقبت از خانواده‌هایی که به دلایل مختلف فاقد توانایی لازم برای اداره زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی خود هستند انجام می گیرد.

در این ارتباط سیاست بیمه‌ای نیز دسته‌ای از سیاست‌های حمایتی است که هدف آن حمایت از نیروی انسانی شاغل در دوران اشتغال، بازنشستگی، از کار افتادگی و حمایت از بازماندگان شاغل می‌باشد. مهم‌ترین خدمات بیمه‌ای خدمات درمانی، بیمه‌های اجتماعی، پرداخت انواع مستمری بازنشستگی، از کارافتادگی، بیکاری، غرامت نقص عضو و حمایت‌ها است که می‌تواند برای ریشه‌کنی فقر در بلندمدت انجام گیرد. توسعه سرمایه انسانی از طریق گسترش آموزش و بهداشت و ارتقاء فرصت های اقتصادی از طریق ایجاد اشتغال نیز در کاهش فقر مؤثر است. بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان از طریق:

۱. افزایش حمایت‌های تأمین اجتماعی، بیمه‌های عمومی و بیمه‌های بیکاری به کاهش فقر کودک کمک نمود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۲. با توجه به اینکه فقر در خانوارهای با سرپرست بی‌سواد، کم‌سواد گسترده‌تر می‌باشد، دخالت دولت در جهت افزایش عمومی سواد و مهارت ها به ویژه در نزد خانوارهای بی‌سواد گامی بلند در جهت کاهش فقر کودک در بلندمدت است. بر این اساس، افزایش سهم مخارج آموزش در بودجه افزایش دوره آموزش اجباری، تشویق خانواده‌های کم درآمد به شرکت در برنامه‌های آموزشی یک ضرورت تلقی می‌گردد.

۳. افزایش فرصت‌های شغلی به ویژه برای خانوارهای جوان که دارای کودک می‌باشند، یکی دیگر از سیاست‌های فقرزدایی است.

۴. افزایش خدمات عمومی مانند بهداشت و اطلاع‌رسانی نیز در کاهش فقر و حمایت از کودکان مؤثر است.

٦. جمع بندی

موضوع فقر کودک مفهوم نسبتاً جدیدی است که از یک سو با فقر خانوار مرتبط و از سوی دیگر از آن متمایز است. از این رو، نگاه به فقر کودکان و فقر خانوار نباید به صورت یکسان باشد. کودکان دارای شرایط جسمی و روحی متفاوتی هستند و آسیب‌هایی که به آنها وارد می‌شود و شرایطی که کودک در آن بزرگ می‌شود آثار خاصی را در آینده زندگی آنها بر جا می‌گذارد. لذا به منظور فقرزدایی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی کودکان به نظر می‌رسد. دولت‌ها و نهادهای مرتبط می‌بایست به بررسی و شناخت کودکان خانوارهای لازم الحمایه و همچنین تأمین نیازهای حمایتی، معیشتی، فرهنگی به منظور ارتقاء سطح زندگی آنها مبادرت ورزند.

منابع

پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر ۱۹۸۹.

عباسیان، عزت اله و نسرین میثم دوست، "فقر کودک، تعریف ها و تجربه ها"، *فصلنامه علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۵.

Brewer, M. (2000), *The Goverment's Child Poverty Target*, IFS.

Corak, M. (2005), "Principles and Practicalities for Measuring Child Poverty in The Rich Countries", UNICEF.

Gordon, D. & et al (2003), "The Distribution of Child Poverty in the Developing World", UNICEF.

Sen, A. K. (1999), "Development as Freedom", New York: Random House.

UNICEF (2005), "The State of The World of The Children", Childhood Under Threat, UNICEF, New York.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]